

## متن پرسش

سلام علیکم: علامه طباطبایی درباره خوارق عادت و علوم غریبه در المیزان فرموده اند: «اینگونه کارها با همه اختلافی که در نوع آنها است، مستند بقوت اراده، و شدت ایمان به تاثیر اراده است، چون اراده تابع علم و ایمان قبلی است، هر چه ایمان آدمی به تاثیر اراده بیشتر شد اراده هم مؤثرتر می‌شود، گاهی این ایمان و علم بدون ظهیر قید و شرطی پیدا می‌شود، و گاهی در صورت وجود شرائطی مخصوص دست می‌دهد، مثل ایمان به اینکه اگر فلان خط مخصوص را با مدادی مخصوص و در مکانی مخصوص بنویسیم، باعث فلان نوع محبت و دشمنی می‌شود، و یا اگر آینه‌ای را در برابر طفلی مخصوص قرار دهیم، روح فلانی احضار می‌گردد، و یا اگر فلان افسون مخصوص را بخوانیم، آن روح حاضر می‌شود، و از این قبیل قید و شرطها که در حقیقت شرط پیدا شدن اراده فاعل است، پس وقتی علم بحد تمام و کمال رسید، و قطعی گردید، بحواس ظاهر انسان حس درک و مشاهده آن امر قطعی را می‌دهد، تو گویی چشم آن را می‌بیند، و گوش آن را می‌شنود، از آنچه تا اینجا گفته شد، چند مطلب روشن گردید اول اینکه ملاک در این گونه تاثیرها بودن علم جازم و قطعی برای آن کسی است که خارق عادت انجام می‌دهد، و اما اینکه این علم با خارج هم مطابق باشد، لزومی ندارد، (به شهادت اینکه گفتیم اگر خود شما مطلبی را در نفس خود تلقین کنی، بهمان جور که تلقین کرده‌ای آن را می‌بینی، و در آخر از ترس مرده‌ای که تصور کرده‌ای از گور درآمده، و تو را تعقیب می‌کند، پا بفرار می‌گذاری) و نیز بشهادت اینکه دارندگان قدرت تسخیر کواکب، چون معتقد شدند که ارواحی وابسته ستارگان است، و اگر ستاره‌ای تسخیر شود، آن روح هم که وابسته به آنست مسخر می‌گردد، لذا با همین اعتقاد باطل کارهایی خارق العاده انجام می‌دهند، با اینکه در خارج چنین روحی وجود ندارد.»

(ترجمه تفسیر المیزان ذیل ۱۰۲ بقره) حال سوالی که بوجود می‌آید: اگر اینگونه کارها تنها در خیال موثر است و نه در خارج می‌توان گفت که ارتباط ما با خارج متاثر از خیال است؟ و آیا مسئله تفاوت عین و ذهن بوجود نمی‌آید و چگونه می‌توان به حس اعتماد کرد؟ لطفاً در این باره توضیح بفرمایید.

با تشکر

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین حضوری که به خود نسبت به خارج می‌یابیم، حضور پایدار ما می‌باشد و این غیر از آن است که ذیل یک اراده‌ای که مبتنی بر علم و معرفت نیست خود را قرار دهیم. در نسبتی که بین خود و بدن خود داریم، حضوری را می‌یابیم که با وسعت دادن همین حضور در

مواجهه با اطراف همچنان در استحکام هستیم. وگرنه آری! همواره این شبهه در میان خواهد بود که آنچه در ذهن از خارج داریم، چه نسبتی با خارج دارد. موفق باشید